

پژوهشی در تاریخ‌گذاری و شناسایی مؤلف کتاب الأظلة؛ اثری بازمانده از غلات کوفه در سده‌های نخست

حمید باقری^۱

چکیده

بسیاری از آثار باقی مانده نصیرییه از سده‌های میانه حاوی نقل قول‌های فراوانی از میراث مفقود غلات کوفه‌اند که می‌توان بدان‌ها به مثابه منابعی واسطه در بازسازی محتوای آن میراث و به تبع شناخت بی‌واسطه تعالیم غلات تکبیه کرد. کتاب الأظلة یکی از همین میراث‌غالبان است که فقراتی از آن به واسطه چهار متن کهن نصیری در دسترس است. تعیین تاریخ حدودی تألیف این منابع واسطه می‌تواند در تاریخ‌گذاری کتاب الأظلة و حتی شناسایی مؤلف آن راه‌گشا باشد. شواهد متنی موجود مؤید تألیف این منابع نصیری در سده‌های سوم و چهارم است که بدین ترتیب، می‌توان در تاریخ‌گذاری کتاب الأظلة زمانی پیش از سده دوم و سوم را برآورد کرد. در منابع کتاب‌شناختی امامیه از سه مؤلف کتاب الأظلة یاد شده است: احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، عبدالرحمان بن کثیر هاشمی و دیگری ابوجعفر محمد بن سنان زاهری؛ مؤلفانی که دوره حیات آنها با بازه زمانی حدودی تألیف کتاب مورد بحث همخوانی دارد. بنا بر اسنادی که در منابع نصیری درباره کتاب الأظلة در دست است، احتمال تعلق کتاب به محمد بن سنان بیش از دیگران است. کلیدواژه: کتاب الأظلة، کتاب الأشباح والأظلة، أظله، غلات کوفه، نصیرییه، سلسله التراث العلوی

یک. مقدمه

تصور عمومی بر آن است که میراث فکری غلات جز چند متن معدود مستقل و آنچه در لا

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (Bagheri.h@ut.ac.ir).

به لای کتب فرق، ملل و نحل و برخی کتب تاریخی درباره اندیشه‌ها و باورهای گروه‌های مختلف آنها آمده و آنچه به دست محدثان بزرگ امامی مانند کلینی (م ۳۲۹ ق) پالایش و گزینش شده، چیزی باقی نمانده است. تاریخ گذاری آنچه از اندک آثار اصیل غلات باقی مانده به شدت دشوار است. نهایت چیزی که می‌توان گفت آن که به نظر می‌رسد برخی از این آثار، همچون *أم الكتاب*، *کتاب الصراط*، *کتاب الهفت والأظلة* یا *کتاب الهفت الشریف*^۴ و *کتاب الأئس*^۵ از لایه‌های متنی متعدد - که هر یک به تاریخی مختص به خود تعلق دارند - تألیف شده‌اند.

در مجموعه‌های فهرستی و کتاب‌شناختی شیعی نام شماری از غالیان دیده می‌شود که کتاب‌های متعددی را تدوین کرده‌اند. بر این اساس، تردیدی باقی نمی‌ماند که غلات آثاری بیش از آنچه اشاره شد، داشته‌اند؛ اما بیشتر آنها از میان رفته است.^۶ با این همه، شواهد

۲. متنی چند لایه که تاریخ بخش اصلی آن به احتمال، به اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری بازمی‌گردد که ترجمه فارسی آن باقی مانده است. برای متن ترجمه آن، رک: "Ummūl-kitāb", pp. 1-132. برای پژوهشی متأخرتر در باره این کتاب و اطلاع از مطالعات صورت گرفته در باره کتاب، رک:

"The Legend of ʿAbdallāh ibn Sabaʿ and the Date of Umm al-Kitāb", pp. 1-30.

۳. اثری منسوب به مفضل بن عمر جعفی که ظاهراً در حدود اواخر سده سوم و آغاز سده چهارم هجری نوشته شده است. این کتاب در کنار دیگر موضوعات، به تفصیل به موضوع مراتب هفت گانه مؤمنان و امکان صعود ایشان و تقریب به خداوند پرداخته است. متن این کتاب به همت منصف بن عبدالجلیل (بنغازی: دارالمدار الإسلامی، ۲۰۰۵ م) و نیز در *سلسله التراث العلوی: المجموعة المفضلية* (دیار عقل: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م، ج ۶، ص ۹۵-۱۶۶) چاپ شده است. در باره انتساب این کتاب به مفضل بن عمر، رک: «مفضل بن عمر جعفی و کتاب الصراط منسوب به او»، ص ۲۹ - ۳۰.

۴. این کتاب دومین اثر منسوب به مفضل بن عمر جعفی است، تألیفی چند لایه که تقریباً میان سده‌های دوم و پنجم هجری در کوفه و شام نوشته شده است. این کتاب، علاوه بر موضوعاتی که در *کتاب الصراط* وجود دارد، به بحث در باره اندیشه «سایه‌ها» و «ارواح» (*أظلة و أشباح*) نیز پرداخته است. این اثر برای نخستین بار به وسیله عارف تامر و ایگناس خلیفه در سال ۱۹۶۰ م، در بیروت با عنوان *کتاب الهفت والأظلة* چاپ شد. تامر بار دیگر، این کتاب را با استفاده از نسخه‌های مختلف در سال ۱۹۸۱ م، در بیروت منتشر کرد. همین چاپ بار دیگر در سال ۲۰۰۷ م، نشر یافت. این اثر با عنوان *الهفت الشریف من فضائل مولانا جعفر الصادق*، با تحقیق دکتر مصطفی غالب (بیروت: دار الأندلس) چاپ گردید. در سال ۲۰۰۶ م، نیز در *سلسله التراث العلوی: المجموعة المفضلية* (ج ۶، ص ۲۸۹ - ۴۲۳) چاپ شد.

۵. احتمالاً در زمان امام رضا علیه السلام، امامت ۱۸۳ - ۲۰۳ ق) نوشته شده است و موضوعاتی مانند تجلی خداوند بر روی زمین، درجات هفت گانه مراتب معنوی مؤمنان و غیره را مطرح کرده است. این کتاب برای نخستین بار توسط جعفر الکنج الدندشی در کتاب *مدخل إلى المذهب العلوی النصیری* (اربد، ۲۰۰۰ م، ص ۷۳ - ۱۵۶) منتشر شد. بعدها در سال ۲۰۰۹ م، نیز الدار البیضاء آن را چاپ کرد. متن کتاب در *سلسله التراث العلوی* (م ۲۰۰۸، ج ۹، ص ۴۵ - ۱۳۹) نیز در دسترس است.

۶. صفری فروشانی، فهرستی از اسامی صد و بیست و یک متهم به غلو فراهم آورده است. همچنان که خود او یادآور شده

متعدد حاکی از آن است که میراث فکری و آثار اعتقادی غلات در طول تاریخ از طریق منابع و آثار پیروان فرقه‌های مختلف از جمله نصیری به حیات خود ادامه داده است. در سال‌های اخیر با انتشار مجموعه ده جلدی از عمده منابع نصیری زیر عنوان *سلسله التراث العلوی* مسیر جدیدی برای پژوهش درباره آثار و تعالیم غلات نخستین گشوده شده است. این مجموعه در لبنان در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۱۰ میلادی به وسیله ابو موسی و شیخ موسی (احتمالاً دو اسم مستعار) و مشتمل بر چندین اثر پیش دانسته نصیری و غلات همچون *الهدایة الکبری خصیبی* و آثار منسوب به مفضل بن عمر جعفی و برخی آثار نو نشر یافته است. بدین سان، این مجموعه مشتمل بر متون ارزشمندی از میراث منتشر نشده نصیری است. آنچه این آثار را برای پژوهش درباره جریان غلات اولیه شیعی با ارزش می‌سازد، این که بسیاری از این متون مملو از نقل قول‌های فراوان از نگاشته‌های اولیه غالیان هستند که از این منظر به مثابه منابع واسطه در دسترسی به متون از دست رفته غلات به شمار می‌روند. این نقل قول‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته نخست، شامل صفحاتی از آثاری است که متن آنها در دسترس بوده و پیش‌تر نشر یافته بودند (مانند: کتاب *الهنف والأظلة* مفضل بن عمر جعفی^۷)، دسته دوم مشتمل بر آثاری است که تنها عناوین و نام مؤلفانشان دانسته است (همچون: کتاب *الصراط* اسحاق بن محمد نخعی کوفی، ملقب به *أحمر*)^۸ و بخش سوم، شامل آثاری است که تنها عناوین آنها دانسته است و نام مؤلفانشان کاملاً ناشناخته است.^۹

است، تعلق همه این افراد به جریان‌های غالی قطعی و یقینی نیست. برای این فهرست، رک: *غالیان*، ص ۳۴۵ - ۳۵۹.

۷. برای نمونه، رک: *حقائق أسرار الدین*، ص ۱۷، ۶۰، ۶۳ - ۶۴، ۶۵، ۱۰۸، ۱۴۷ - ۱۴۸، ۱۵۰ - ۱۵۶، ۱۶۱. ۸. با وجود آن که برخی عالمان مسلمان این کتاب را به اسحاق احمر نخعی نسبت داده‌اند (برای نمونه رک: *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۱۰۷؛ *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۳۷۲؛ کتاب *الفصل فی الملل*، ج ۴، ص ۱۸۶)، اما آرون فریدمن (رک: *The Nusayrī-Alawīs*, p.244) آن را همان کتاب *الصراط* منسوب به مفضل بن عمر جعفی دانسته است. گفتنی است که آنچه از نقل قول‌های کتاب *الصراط* اسحاق در دست است (برای نمونه، رک: *حقائق أسرار الدین*، ص ۲۳، ۴۰، ۱۳۵) با مطالب کتاب *الصراط* منسوب به مفضل مشابهتی ندارد؛ علاوه بر آن که حرانی در مواردی با تعبیری همچون «وقال إسحاق فی کتاب الصراط» به انتساب کتاب به اسحاق تصریح دارد. به گفته مسعودی و ابن حزم و ابن حجر عسقلانی (همانجاها) فیاض بن علی بن محمد بن فیاض - که خود نیز از غلات بود - کتاب *القسطاس* را در رد کتاب *الصراط* اسحاق احمر نگاشت.

۹. برای نمونه می‌توان به کتاب *معرفة الباری* - که حرانی در *حقائق أسرار الدین* دو نقل قول از آن آورده (ص ۲۹، ۵۴) - اشاره کرد. در پژوهش مستقلی که درباره پیوند این شعبه حرانی و نصیری با تکیه بر آثار منسوب به وی، به ویژه کتاب *حقائق أسرار الدین* در حال انجام دارم (در باره انتساب این آثار به وی، رک: «پژوهشی در انتساب...»، ص ۵۶-۶۶)، نزدیک به ۲۴ اثر را شناسایی کرده‌ام که مؤلف نقل قول‌هایی فراوانی را از آنها با تصریح به عناوینشان در کتاب خود

از جمله آثار دسته اخیر کتاب الأظلة است که تنها عنوان آن دانسته است. چندین عبارت از آن به طور پراکنده در چهار اثر مختلف نصیری باقی مانده است که می‌تواند در تاریخ گذاری، تعیین حدودی تاریخ تألیف آن و شناسایی مؤلف احتمالی اش مفید فایده باشد. چنان که در ادامه خواهیم گفت، این اثر در فضای گروه‌های غالی کوفه در سده‌های دوم و سوم هجری نوشته شده است، از این رو، مطالعه آن از چند منظر دارای اهمیت است: نخست، آن که اثری اصیل از میراث غلات کوفه است و گزارشی دست اول از آموزه‌های غالیان به دست می‌دهد که توجه به مطالب آن، در تکمیل دانسته‌هایمان درباره تعالیم غلات نخستین کارگشا است. دیگر، آن که کتاب الأظلة به لحاظ متنی به دیگر نگاشته‌های غلات و به طور خاص کتاب الکرسی مرتبط است و می‌تواند در پرتو افکنی بر تاریخ دیگر متون غلات کمک شایانی نماید. در نهایت، سرگذشت کتاب الأظلة تصویری گذرا از میراث غلات را در مقیاس کوچک تر ارائه می‌کند؛ به گونه‌ای که مطالعه آن می‌تواند آگاهی‌های ارزشمندی در انتقال و انتشار متون غلات در میان غالیان و نصیریان در سده‌های سوم و چهارم هجری ارائه و تصویری تا حدودی روشن از فرایند انتقال متون اصالتاً کوفی به شام ترسیم نماید.

دو. نگاهی به مفهوم «اظله» و محتوای کتاب

در اشاره‌ای کوتاه به محتوای این نقل قول‌ها گفتنی است که قطعات برجای مانده از کتاب الأظلة سه اندیشه اصلی را در بر دارد که به روشنی رگه‌های تعالیم غالیان در آنها قابل مشاهده است. عنوان کتاب به خوبی براهمیت این اندیشه نزد مؤلف و همفکران وی دلالت دارد. این عنوان یادآور کتاب منسوب به مفضل بن عمر جعفی با عنوان کتاب الهفت والأظلة است که پیش‌تر بدان اشاره شد. این اهمیت را، افزون بر عنوان کتاب، در بلندترین قطعه باقی مانده از آن نیز می‌توان مشاهده کرد.^{۱۰}

درباره مفهوم «اظله» - که به نظر، جایگاه مهم‌تری نسبت به دو اندیشه دیگر در نظام فکری مؤلف داشته - گفتنی است که در برخی روایات منقول از معصومان عليهم السلام برای

آورده است. از این رو، این کتاب وی در کنار سایر آثار عالمان نصیری به منبع حایز اهمیتی در شناخت این آثار - که بیشتر منتسب به راویان غالی هستند - به شمار می‌رود. در واقع، کتاب الأظلة - که موضوع این مقاله است - از جمله همین منابع ابن شعبة حرانی در حقائق أسرار الدین و دیگر مؤلفان نصیری مذهب متقدم و معاصرویی بوده است.

۱۰. حقائق أسرار الدین، ص ۷۲ - ۷۳؛ حاوی الأسرار، ص ۲۰۸ - ۲۰۹.

موجودات نورانی فرامادی که پیش از جهان مادی خلق شده بودند، استفاده شده است.^{۱۱} روایات در کار بست این مفهوم برای همه یا برخی انسان‌ها متفاوت‌اند؛ چندان که در بعضی از این روایات چنین گفته شده که «این سایه‌ها برای همه انسان‌ها»^{۱۲} بوده است؛ هر چند بیشتر، فقط در خصوص آفرینش نوری مؤمنان^{۱۳} و در برخی احادیث در کاربرد خاص ترتبها برای خلقت نوری پیامبر و امامان به کار رفته است.^{۱۴} در روایاتی نیز اکمال نبوت انبیای الهی در عالم اظله با عرضه ولایت پیامبر و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام و اقرار پیامبران پیوند خورده است.^{۱۵} نکته جالب توجه آن که در روایاتی منقول از معصومان علیهم‌السلام به زمان خلقت اظله - که از آن به «عالم ارواح» نیز تعبیر می‌شود - دوهزار سال پیش از آفرینش و دیگر خصوصیات آنها اشاره شده است.^{۱۶}

سید جلال الدین آشتیانی مقصود صاحب *فصوص الحکم* از تعبیر «سَرِّ قَدَر» را «عالمِ قَدَر، متقرر در تعیین ثانی و مرتبه و احدیت» دانسته که:

عالم ذراول و عالم طینت نیز به آن اطلاق شده است و در روایات ما معاشر شیعه امامیه بارها اهل بیت علیهم‌السلام به این عالم اشاره فرموده‌اند و از آن به عالم اظله نیز تعبیر شده است... اصطلاح اظله از اهل بیت علیهم‌السلام است.^{۱۷}

دومین اندیشه‌ای که در نقل قول‌های باقیمانده از کتاب *الأظلة* بازتاب یافته، تصویری است که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارائه شده است. در یکی از این نقل قول‌ها، آن حضرت در قالب «خالق» و «مدبّر» این عالم معرفی شده است که عهده‌دار سعادت این جهان و مردمان آن بوده

۱۱. برای نمونه رک: *بصائر الدرجات*، ص ۱۰۳ - ۱۰۶: *الکافی*، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۷، ۴۴۲، ح ۱۰، ج ۸، ص ۴۰۰، ۶: *کتاب من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۵۲، ح ۵۷۶۱: *الإعتقادات*، ص ۴۸.

۱۲. *تفسیر الإمام العسکری*، ص ۲۱۷: *تفسیر العیاشی*، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۳۵: *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۳۹۱: *تفسیر فرات الکوفی*، ص ۱۴۶، ح ۱۸۱، ص ۱۴۷، ح ۱۸۴، ص ۵۰۹، ح ۶۶۵: *المحاسن*، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۱۶: *بصائر الدرجات*، ص ۱۰۳، ح ۲، ص ۱۰۴، ح ۳. از آنجا که این روایات در تفسیر آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ...» (سوره اعراف، آیه ۱۷۲) بیان شده است، لذا با ماجرای «عهد الست» در ارتباط دانسته شده است.

۱۳. *المحاسن*، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۱۶: *بصائر الدرجات*، ص ۳۹ - ۴۰: «باب فی خلق أبدان الأئمة علیهم السلام و فی خلق أرواحهم و شیعتهم»، ص ۱۰۹، ح ۱: *الکافی*، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱ و ۲، ص ۴۳۷ - ۴۳۸، ح ۹.

۱۴. *الکافی*، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۵.

۱۵. *بصائر الدرجات*، ص ۹۳، ح ۷.

۱۶. در این باره، رک: «انسان در عالم اظله و ارواح»، ص ۱۰ - ۳۲.

۱۷. «ختم ولایت در اندیشه ابن عربی»، ص ۱۰۴.

است. در نقل قولی دیگر - که تا حدودی بلندتر از قبلی است - آن حضرت «نخستین مخلوق خداوند» بیان شده است. در نهایت، سومین اندیشه‌ای که باید مطرح کرد، داستان آفرینش عقل است که در موارد بسیاری در احادیث اهل سنت و شیعه امامی نیز مؤیداتی برای بنیان این نظریه دیده می‌شود.^{۱۸}

سه. کتاب الأظلة و منابع فهرستی امامی

در منابع کتاب‌شناختی امامیه چندین اثر با عنوان کتاب الأظلة به برخی راویان و شاگردان ائمه علیهم‌السلام نسبت داده شده است. از جمله ایشان، ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است. اشعریون از خاندان‌های مشهور امامی‌اند که به واسطه مهاجرت سعد بن مالک بن أحوص از کوفه به قم در این شهر ساکن شدند. احمد بن محمد، شیخ محدثان قم، وجه و فقیه ایشان معرفی شده است:

و أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين، وجههم، وفقههم، غير مدافع.

وی در دوران حیات خویش، سه تن از امامان یعنی امام رضا و امام جواد و امام هادی - ابوالحسن العسکری - علیهم‌السلام را ملاقات کرد. نجاشی در شمار کتب متعدد وی، از کتاب الأظلة نام برده است که دو طریق به همه آثار وی داشته است: یکی به واسطه «حسین بن عبیدالله غضائری و ابو عبد الله بن شاذان < احمد بن محمد بن یحیی > (۱) سعد بن عبد الله اشعری < مؤلف»^{۱۹} و دیگری «احمد بن علی بن نوح سیرافی < ابوالحسن بن داود < محمد بن یعقوب کلینی < (۲) علی بن ابراهیم بن هاشم قمی و (۳) محمد بن یحیی العطار قمی و (۴) علی بن

۱۸. برای نمونه، رک: المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۴ - ۸؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲۶، ح ۲۶؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۸؛ المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۸۳؛ شعب الایمان، ج ۴، ص ۱۵۴، ح ۴۶۳۳.

پس از نگارش نهایی این مقاله و فرایند ارزیابی آن، به مقاله‌ای دست یافتیم که دوست محققم جناب آقای موشغ آساطریان متن کتاب الأظلة را بر اساس دو نسخه موجود در مؤسسه مطالعات اسلامی (نسخه شماره ۱۴۰، برگ ۱۳۹ ب - ۱۶۶ الف و نسخه شماره ۵۱۱، برگ ۱۱۸ الف - ۳۸ ب) به همراه مقدمه‌ای منتشر کرد. مطالعه دقیق عبارات این متن در تحلیل بهتر و دقیق‌تر محتوای کتاب الأظلة لازم و ضروری است. او در این مقدمه، در باره مؤلف احتمالی کتاب الأظلة مطالبی را گفته است که در برخی موارد با آنچه در این نوشتار آمده، مشترک است. از او که این مقاله و برخی نکات دیگر را یادآور شد، سپاسگزاری می‌کنم. برای این مقاله، رک:

“An Early Shī'i Cosmology: *Kitāb al-ashbāh wa l-aẓilla* and its Milieu”, *Studia Islamica* 110 (Brill 2015), pp.1-80.

۱۹. «أخبرنا بكتبه الشيخ أبو عبد الله الحسين بن عبید الله وأبو عبد الله بن شاذان قالاً: حدثنا أحمد بن محمد بن یحیی قال: حدثنا سعد بن عبد الله عنه بها» (رجال النجاشی، ص ۸۲).

موسی بن جعفر و (۵) داود بن کوره و (۶) احمد بن ادريس اشعری قمی < مؤلف >. ۲۰ چنان که مشهور است، مؤلف و راویان این کتاب به حوزه حدیثی قم تعلق داشته‌اند که به نوبه خود بر تألیف و انتشار این اثر در این حوزه حدیثی دلالت دارد.

راوی دیگری که اثری با عنوان کتاب الأظلة به او نسبت داده شده، عبدالرحمان بن کثیر هاشمی است. او راوی ضعیفی معرفی شده که محدثان از روایات او چشم پوشی می‌کردند: کان ضعیفاً، غمز أصحابنا علیه.

این تعبیر اخیر بر بی‌اعتباری روایات او نزد اصحاب امامیه دلالت دارد. نجاشی به این مقدار بسنده نکرده و یادآور شده است که محدثان امامی وی را جاعل حدیث می‌دانستند: وقالوا: کان یضع الحدیث.

نجاشی علاوه بر کتاب فضل سورة انا انزلناه^{۲۱} و کتاب صلح الحسن عليه السلام و کتاب فدک، کتاب الأظلة را نیز در زمره تألیفات وی نام برده است. نجاشی خود اثر اخیر را کتابی «فاسد» و «مختلط» دانسته است. جالب توجه آن که وی برخلاف دو کتاب نخست، هیچ طریقی برای کتاب فدک و کتاب الأظلة ذکر نکرده است.^{۲۲} ابو غالب زُراری نیز از این کتاب در فهرست کتبی که به نوه اش اجازه داده، نام برده است.^{۲۳} عبدالرحمان بن کثیر در زمره راویان کوفی بوده است.

فرد دیگری که اثری با عنوان کتاب الأظلة به او نسبت داده شده، ابوالحسن علی بن ابی صالح محمد، ملقب به «بُزْج» است. وی از راویان کوفی معرفی شده است که به شغل گندم فروشی (حَنَاط) اشتغال داشته است. نجاشی درباره درستی مذهب و اعتبار حدیث وی نوعی تردید مطرح کرده و در نهایت او را به ضعف نزدیک تر دانسته است: ولم یکن بذاک فی المذهب والحدیث و إلى الضعف ما هو.

به گفته نجاشی، ابوالقاسم حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ ق)، فقیه و محدث مشهور واقفی

۲۰. «و قال لی أبو العباس أحمد بن علی بن نوح: أخبرنا بها أبو الحسن بن داود، عن محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم و محمد بن یحیی و علی بن موسی بن جعفر و داود بن کوره و أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد بن عیسی بکته» (همان، ص ۸۲-۸۳).

۲۱. در باره این کتاب و سرگذشت احتمالی آن، رک: «حسن بن عباس بن حریش و کتاب انا انزلناه فی لیلة القدری»، ص ۱۳۵-۱۵۶.

۲۲. رجال النجاشی، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲۳. رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۷۵.

قرن سوم و چهارم هجری، در الفهرست خود از سماع کتاب های ابوالحسن علی بن ابی صالح، از جمله کتاب الأظلة یاد کرده است.

نجاشی طریقی برای این آثار ذکر نکرده است. دلیل آن به روشنی دانسته نیست. احتمال آن می رود که در منبع وی یعنی فهرست حمید بن زیاد طریقی به این آثار ذکر نشده است؛ هر چند احتمال دیگری نیز وجود دارد که عدم ذکر طریقی به آثار علی بن ابی صالح از جمله کتاب الأظلة به سبب تردیدی بوده است که نجاشی درباره آنها داشته است؛ بدین معنا که آیا این کتاب ها تألیف خود وی بوده یا آن که او راوی آنها بوده است: و لیس أعلم هذه الكتب له أو رواها عن الرجال.^{۲۴}

شوشتری معتقد است که از مطالب رساله ابوغالب زُراری^{۲۵} چنین استفاده می شود که کتاب الأظلة و کتاب فضل انا أنزلناه هر دو از عبدالرحمان بن کثیر هاشمی و کتاب النوادر نوشته محمد بن محسن^{۲۶} عطار بوده است و انتساب تألیف آنها به علی بن ابی صالح ناصواب است؛ چه آن که در واقع، وی راوی این آثار بوده است.^{۲۷} بنا بر گزارش ابو عمرو گشی از محمد بن مسعود عیاشی، علی بن حماد ازدی از جمله راویان اثری با عنوان کتاب الأظلة بوده است.^{۲۸} محقق کتاب، در پاورقی^{۲۹} اشاره دارد که علی بن حماد ازدی همان علی بن محمد بزرج است. در صورت درستی این احتمال، می توان گزارش گشی را نشانه ای بر نظر محمد تقی شوشتری بر شمرد که معتقد است علی بن ابی صالح راوی کتاب الأظلة بوده است، نه مؤلف آن.

از دیگر راویانی که کتاب الأظلة در شمار تألیفات وی گزارش شده، ابو جعفر محمد بن سنان زاهری (م ۲۲۰ ق) است. به گزارش نجاشی، نسب کامل وی «ابو جعفر محمد بن حسن بن سنان» است. نظر به این که کفالت وی را پس مرگ پدرش در سنین کودکی، جدش سنان

۲۴. رجال النجاشی، ص ۲۵۷.

۲۵. رک: رساله ابی غالب الزراری، ص ۷۵.

۲۶. نام درست وی «حسن» است.

۲۷. قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۳۹۴.

۲۸. اختیار معرفة الرجال، تحقیق: مصطفوی، ص ۳۷۵، ش ۷۰۳ (گفتنی است که در همه جای این نوشتار جزیک مورد از این چاپ کتاب اختیار معرفة الرجال استفاده شده است)؛ نیز رک: خلاصة الأقوال، ص ۳۶۷. در حدیثی از الکافی، علی بن حماد حدیثی را در باره اظله از مفضل بن عمر جعفری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۲۹. اختیار معرفة الرجال، تحقیق: فیومی، ص ۳۱۶، ش ۷۰۳، پانویشت ۱.

برعهده داشته است به نام «محمد بن سنان» شهرت یافته است. به گفته ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده، محمد بن سنان از راویان امام رضا علیه السلام بوده که مجموعه مسائل وی از آن حضرت معروف و مشهور بوده است. وی به شدت تضعیف شده است، به گونه‌ای که قابل اعتماد نبوده و به طور خاص به متفردات او توجهی نمی‌شود («وهو رجل ضعيف جداً، لا يعول عليه ولا يلتفت إلى ما تفرد به»)^{۳۰}. بنا بر نقل قول ابو عمر گشتی از ابوالحسن علی بن محمد بن قتیبة نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان نقل روایات محمد بن سنان را از سوی شاگردان خویش روا نمی‌دانست («لا أحل لكم أن ترووا أحاديث محمد بن سنان»)^{۳۱}. افزون بر این، گشتی سخن صفوان بن یحیی مبنی بر باورهای غالبانه محمد بن سنان را گزارش کرده است.^{۳۲} نجاشی در شمارتالیفات محمد بن سنان، از کتاب الأظلة نیز یاد کرده است. طریق وی به همه کتاب‌های ابن سنان به محمد بن حسین بن ابی الخطاب، راوی ثقة مشهور، منتهی می‌شود.^{۳۳}

بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت که در منابع فهرستی امامیه با سه مؤلف مواجهیم که به هر یک از آنها تألیف اثری با عنوان کتاب الأظلة نسبت داده شده است این سه مؤلف عبارتند از: ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، عبدالرحمان بن کثیر هاشمی و ابوجعفر محمد بن سنان زاهری. بنا بر گزارش ابو عمرو گشتی از محمد بن مسعود عیاشی، علی بن حماد ازدی از جمله راویان اثری با عنوان کتاب الأظلة بوده است.^{۳۴} به روشنی دانسته نیست که این اثر کدام یک از تألیفات پیش گفته است. هرچند این احتمال نیز دور از ذهن نیست که کتاب الأظلة ای که علی بن حماد راوی آن بوده کتابی جز آثار مذکور بوده است.

چهار. کتاب الأظلة و تاریخ گذاری منابع واسطه

امروزه مطالب کتاب الأظلة در چهار متن مختلف نصیری (کتاب المثل والصورة، حاوی الأسرار، حقائق أسرار الدین و حجة العارف) به دو شکل در دسترس است. در شکل نخست،

۳۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۸.

۳۱. إختیار معرفة الرجال، ص ۵۰۷، ش ۹۷۹.

۳۲. همان، ص ۵۰۷، ش ۹۷۸.

۳۳. «أخبرنا جماعة شیوخنا، عن أبي غالب أحمد بن محمد، عن عم أبيه علی بن سلیمان، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عنه بها» (رجال النجاشی، ص ۳۲۸).

۳۴. إختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۵، ش ۷۰۳؛ نیز رک: خلاصة الأقوال، ص ۳۶۶.

نقل قول‌ها با یادکرد نام کتاب است که تنها در دو متن از چهار متن این گونه است. نقل قول‌های دیگر از کتاب الأظلة نه تنها بدون ذکر نام اثر است، بلکه زیر عنوان کتاب الكرسی، منبعی واسطه در نقل مطالب کتاب الأظلة،^{۳۵} جای گرفته که به طور پراکنده در همه آن چهار اثر نقل شده است. اصالت و تاریخ تألیف این چهار اثر می‌تواند به مثابه شواهدی برای تاریخ گذاری کتاب الأظلة مورد توجه قرار گیرد.

قدیمی‌ترین اثری که از کتاب الأظلة، بدون ذکر نام و به عنوان بخشی از کتاب الكرسی و العلم والقدرة، نقل قول کرده، کتاب المثل والصورة، منسوب به محمد بن نصیر نمیری (م بعد از ۲۵۴ق)^{۳۶} است. طریق مؤلف به این کتاب چنین است:

وأخبرني أبو عبد الله بن محمد بن يعقوب الميداني^{۳۷} ولقيته وهو شيخ كبير في الموصل، عن محمد بن عبد الله النيسابوري، عن أحمد بن العباس، عن الحرس، عن إبراهيم بن عمر المكفوف، عن إبراهيم بن يزيد، عن أبي جعفر الباقر وأبي عبد الله الصادق، وقد سألوهما عن الكرسی وصفة الخلق، فقالا: وهو كتابٌ مُترجمٌ بكتاب الكرسی والعلم والقدرة ولقد اختصرنا منه موضع الحاجة إليه...^{۳۸}

چنانچه مرجع ضمیر «ی» در تعبیر «أخبرني» خود او بوده باشد، بر این نکته دلالت دارد که محمد بن نصیر نمیری متن کتاب الكرسی را در اختیار داشته و سفری به موصل نیز داشته است. فریدمن کتاب الكرسی را با نوعی تردید به ابو عبد الله محمد بن يعقوب مدائنی نسبت داده است.^{۳۹}

نقل قول دیگر، تقریباً یک سده بعدتر در رساله‌ای منسوب به مؤلف نصیری محمد بن علی جلی قابل مشاهده است. بنا بر برخی گزارش‌ها، محمد بن علی جلی در سال ۳۵۷ق، نقل حدیث کرده،^{۴۰} در سال ۳۷۰ در بیروت^{۴۱} و سال‌های ۳۹۷^{۴۲} و ۳۹۹ق،^{۴۳} در حلب بوده

۳۵. در این باره در ادامه توضیحات تفصیلی خواهد آمد.

۳۶. این تاریخ را آرون فریدمن برای زمان وفات محمد بن نصیر ذکر کرده است. رک: The Nuṣayrī-ʿAlawīs, pp. 6-7.

۳۷. در متن چنین گزارش شده است، اما ظاهراً «المدائنی» درست است. رک: حقائق أسرار الدین، ص ۸۰.

۳۸. کتاب المثل والصورة، ص ۲۲۷ - ۲۲۹. برای مشابه آن به نقل از «کتاب الأظلة»، رک: حقائق أسرار الدین، ص ۴۱،

۴۵. و تحریر کامل ترص ۷۱ به بعد.

39. The Nuṣayrī-ʿAlawīs, Appendix 2, p. 278-279.

۴۰. الرسالة المرشدة، ص ۱۷۷. متأسفانه در طریق نقل هیچ اشاره‌ای به مکان تحدیث نشده است.

۴۱. همان، ص ۲۰۳.

۴۲. رسالة موضحة، ص ۱۸۴.

۴۳. مجمع الأخبار، ص ۱۵۸.

است؛ اما برونوپائولی، بدون اشاره به منبع خود، تاریخ وفات او را سال ۱۰۰۷م (۳۹۸ - ۳۹۹ق) یا ۱۰۰۹م (۳۹۹ - ۴۰۰ق) ذکر کرده است.^{۴۴} محمد بن علی جلی در کتاب *حاوی الأسرار* خود سه متن از کتاب *الأظلة* نقل کرده است؛ یکی به طور مستقل زیر عنوان خود کتاب، یعنی کتاب *الأظلة*^{۴۵} و دیگری در آمیخته با کتاب *الكرسى*^{۴۶} و دیگری، بدون اشاره به منبع خود.^{۴۷} در نقل قول اخیر از یونس بن ظبیان، از امام صادق علیه السلام برخلاف دو نقل قول دیگر، هیچ ذکری از عنوان منبع، خواه کتاب *الأظلة* و خواه کتاب *الكرسى*، به میان نیامده است، اما همین عبارت عیناً در *حقائق أسرار الدین* با تصریح بر عنوان کتاب *الأظلة* از آن نقل شده است.^{۴۸}

پس از آن، در *حقائق أسرار الدین*، منسوب به معاصر جوان تر جلی، یعنی حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی عبارات متعددی از کتاب *الأظلة* به دو صورت، مواردی با تصریح به عنوان کتاب *الأظلة*^{۴۹} و مواردی به عنوان بخشی از کتاب *الكرسى*^{۵۰} نقل شده است. نقل قول اخیر از کتاب *الكرسى* در کتاب *المثال والصورة*، منسوب به محمد بن نصیر نیز با سندی مشابه آمده است:

أخبرني أبو عبد الله محمد بن يعقوب المدائني ولقيته وهو شيخ كبير في الموصل، عن محمد بن عبد الله النيسابوري، عن أحمد بن العباس بن الحریش، عن إبراهيم بن عمر، عن يحيى المكفوف، عن إبراهيم بن يزيد، عن أبي جعفر وأبي عبد الله وقد سألوهما عن الكرسي و صفة الخلق، قال: وهو كتاب مترجم بكتاب الكرسي والقلب والقدد والقدرة^{۵۱} إختصرنا منه موضع الحاجة إليه...

نظر به اشاره محمد بن نصیر نمیری (م ۲۵۴ق) به نام ابو عبدالله محمد بن يعقوب مدائنی، نقل قول مستقیم ابن شعبه حرانی از مدائنی بعید می نماید. از این رو، ابن شعبه به واسطه منبعی واسطه، و شاید خود کتاب *المثال والصورة* نمیری، از مدائنی روایت کرده

44. "La diffusion de la doctrine nusayrie", p. 22.

۴۵. *حاوی الأسرار*، ص ۲۰۷ - ۲۰۹.

۴۶. همان، ص ۱۸۱ - ۱۸۴.

۴۷. همان، ص ۲۰۳.

۴۸. *حقائق أسرار الدین*، ص ۴۵.

۴۹. همان، ص ۴۱، ۴۵ (دو مرتبه)، ۷۱، ۱۶۸، ۱۷۳.

۵۰. همان، ص ۸۰ - ۸۱. مشابه همین مطلب به نقل از کتاب *الأظلة* در *حقائق أسرار الدین* (ص ۴۱، ۴۵، و تحریر کامل تر، ص ۷۱ به بعد) آمده است.

۵۱. عنوان کتاب در نقل محمد بن نصیر «کتاب الکرسی والعلم والقدرة» گزارش شده است.

است.

در یکی از نقل قول‌های موجود در حقائق أسرار الدین، عنوان اثر «کتاب الأظلة الکبیر» گزارش شده است^{۵۲} که نظریه یادکردهای دیگر عنوان کتاب الأظلة در کتاب حقائق أسرار الدین،^{۵۳} به احتمال فراوان، واژه «الکبیر» تعبیر وصفی برای کتاب بوده است. این وصف حاکی از آن است که کتاب الأظلة تألیفی بزرگ بوده است. نکته جالب توجه دیگر، آن که در شش نقل قول مطالب کتاب الأظلة، چهار مورد از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام،^{۵۴} یک مورد از اسد بن اسماعیل از امام صادق علیه السلام^{۵۵} و یک مورد نیز بدون ذکر نام راوی، به طور مستقیم با یادکرد عنوان کتاب («وفی کتاب الأظلة...»)^{۵۶} نقل شده است. بنا بر این، در کتاب حقائق أسرار الدین، با دو طریق، به کتاب الأظلة مواجهیم:

طریق نخست:

وحدّث صالح بن حمزة، عن أبان بن مصعب، عن أسد با اسماعیل، عن أبي عبد الله في کتاب الأظلة.^{۵۷}

و دیگری:

وحدّث أبو عبد الله الحسين بن علی الیمانی البزاز، قال: حدّثني محمد بن علی الصنعانی، عن أبي عبد الله محمد بن خالد البرقي، عن محمد بن سنان، عن صالح بن یزید السلمي، عن یونس بن ظبیان بکتاب الأظلة... سألت أبا عبد الله...^{۵۸}

از اصطلاحات تحدیث آغاز این دو طریق کاملاً هویدا است که ابن شعبه خزّانی متن کتاب الأظلة را به صورت وجاده در اختیار داشته است؛ هر چند این احتمال نیز بعید به نظر نمی‌رسد که وی این مطالب را به واسطه منبعی دیگر در اختیار داشته است. افزون بر این‌ها، درباره نقل قول‌های خزّانی از کتاب الأظلة شایان توجه است که یکی از آن نقل‌ها^{۵۹} با نقل قول جلی^{۶۰} از منبعی با عنوان کتاب الأشباح والأظلة مشابه است (شماره ۱ در

۵۲. حقائق أسرار الدین، ص ۴۱.

۵۳. همان، ص ۴۵ (دو مرتبه)، ۷۱، ۱۶۸، ۱۷۳.

۵۴. همان، ص ۴۱، ۷۱، ۱۶۸، ۱۷۳.

۵۵. همان، ص ۴۵.

۵۶. همان، ص ۴۵.

۵۷. همان، ص ۴۵.

۵۸. همان، ص ۷۱.

۵۹. همان، ص ۴۵.

جدول پایین). بنا براین، به احتمال فراوان، می‌توان گفت که این دو اثر در واقع یک کتاب بوده‌اند، اما از سوی این دو مؤلف با دو عنوان متفاوت یاد شده‌اند.

نکته قابل توجه دیگر، آن که جلی در جای دیگری از منبع اخیر، یعنی کتاب *الأشباح والأظلة*، مطلبی را نقل کرده است^{۶۱} که با نقل قول خزّانی^{۶۲} از کتاب *الأشباح* مشابهت دارد (شماره ۲ در جدول پایین). از این رو، شاید بتوان گفت که خزّانی و جلی از یک اثر با سه عنوان مختلف یاد کرده‌اند: کتاب *الأظلة*، کتاب *الأشباح* و عنوانی کامل‌تر و مشتمل بر دو نام قبلی، یعنی کتاب *الأشباح والأظلة*.

بر این اساس، می‌توان گفت که نقل قول خزّانی از کتاب *الأشباح والأظلة* نیز از همین اثر بوده است؛^{۶۳} اما آنچه این دو احتمال را کمی پیچیده می‌کند، آن که به تازگی متن کتاب *الأشباح والأظلة*، بنا بر دو نسخه موجود از آن، به همت یکی از پژوهش‌گران غربی به نام موشغ آساطریان تصحیح و نشر یافته است^{۶۴} که برخی نقل قول‌های پیش گفته از کتاب *الأظلة* در آن دیده نمی‌شود. درباره موارد مشترک نیز گفتنی است که گذشته از اختلافات اندک در عبارات، جملاتی در کتاب *الأشباح والأظلة* مذکور وجود دارد که به هیچ روی در نقل قول‌های جلی و خزّانی مشاهده نمی‌شود. با این همه، انتساب مطالب مشابه به دو منبع با عناوین متفاوت از سوی محمد بن علی جلی و ابن شعبه حرّانی موضوع جالب توجه و حایز اهمیت است.

| کتاب حقائق أسرار الدین | کتاب حاوی الأسرار | نسخه موجود از کتاب <i>الأشباح والأظلة</i> |
|---|---|---|
| (۱) وفي كتاب الأظلة أحد أركانه العلم والثاني القدرة والثالث الرحمة والرابع المشيئة، فأسكن في الأركان الأرواح الأربعة، فروح القدس العلم طرفه وروح الأمر القدرة طرفه وروح ذي المعارج الرحمة طرفه وروح الأمر المشيئة طرفه. | (۱) وحدث صالح بن حمزة، عن أبيان بن مصعب، عن أسد بن إسماعيل، عن أبي عبد الله في كتاب الأظلة و <i>الأشباح</i> ... وفيه روى أحمد بن أحمد، عن محمد بن مفضل، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر قال: قال رسول الله... أحد أركانه العلم والثاني القدرة والثالث الرحمة والرابع المشيئة، فأسكن في الأركان الأربعة | این عبارت وجود ندارد. |

۶۰. حاوی الأسرار، ص ۲۰۳.

۶۱. همان، ص ۲۰۹ - ۲۱۲.

۶۲. حقائق أسرار الدین، ص ۷۴ - ۷۷.

۶۳. همان، ص ۱۵۷. مشابه این نقل قول در کتاب *الأشباح والأظلة* (تصحیح موشغ آساطریان)، ص ۲۵ - ۲۶ آمده است.

۶۴. "An Early Shi'i Cosmology", pp. 1-80.

| نسخه موجود از کتاب الأشباح و الأظلة | کتاب حاوی الأسرار | کتاب حقائق أسرارالدين |
|---|---|--|
| | أربع أرواح، فروح القدس العلم طرفه و روح الأمر القدرة طرفه و روح ذی المعارج الرحمة ^{۶۵} طرفه و روح الأمر المشيئة طرفه. ^{۶۶} | |
| (۲) إن الله تعالى خلق سبعة حجب من بعد الحجاب الأول خلقها من حجب الأدميين فسمى كل حجاب منها آدم... ثم إن الله أنشأهم على المواليد فتوالدوا فامتزجت الأبدان التي كانت من وُلد المؤمن. ^{۶۷} | (۲) ومن كتاب الأشباح والأظلة قال: إن الله تعالى خلق بيده الحجاب الأول وأظهره سبعة حجب يسمى كل حجاب آدم... ثم إن الله تعالى أنشأهم على المواليد فتوالدوا و تمازجوا في الأبدان. | (۲) وقال مؤلف كتاب الأشباح: ثم خلق الله بيده الحجاب الأول سبع حجب سمي كل حجاب منها آدم... ثم إن الله أنشأهم على المواليد فتوالدوا وامتزجت الأبدان. |

سرانجام، در حجة العارف، منسوب به علی بن حمزة حرانی، یکی دیگر از وابستگان بنو شعبه،^{۶۸} نقل قول از کتاب الأظلة تنها به عنوان بخشی از کتاب الكرسی صورت گرفته است. گفتنی است که علی بن حمزة حرانی این مطلب را، چنان که خود تصریح دارد، به واسطه حقائق أسرارالدين نقل کرده است.^{۶۹}

ارتباط میان این چهار متن - که از کتاب الأظلة نقل قول کرده اند - امکان تاریخ گذاری آن را فراهم می سازد؛ اما پرسشی که در این جا مطرح است، آن که آیا مؤلفان و تاریخ ادعایی این چهار اثر برای تاریخ گذاری کتاب الأظلة قابل اعتماد است؟ از این رو، انتساب این آثار به مؤلفان و تاریخ احتمالی تألیفشان خود محل تأمل و بررسی است؛ چه آن که عموماً اثبات انتساب متون متقدم غلات و نصیریه به مؤلفان ادعایی امری دشوار است. این دشواری زمانی پیچیده تر می شود که در نظر داشته باشیم محققان مجموعه سلسله التراث العلوی هیچ گونه اطلاعاتی برای تحقیق و بررسی مؤلفان ادعایی ارائه نکرده اند.

چنان که گفتیم، قدیمی ترین این چهار متن - که به کتاب الأظلة اشاره کرده - کتاب المثال والصورة منسوب به محمد بن نصیر است. انتساب کتاب المثال والصورة به وی قابل

۶۵. در متن «الرحمة» آمده است.

۶۶. عبارت اخیر در متن حاوی الأسرار به این صورت آمده است: «و روح المشيئة الأمر طرفه».

67. "An Early Shī'i Cosmology", pp. 26-49.

۶۸. به گفته فریدمن، وی برادرزاده ابومحمد حسن بن علی بن شعبه بوده است. رک: The Nuṣayrī-ĪalawīDs, p. 46.

۶۹. حجة العارف، ص ۲۷۳.

اعتماد است؛ چرا که در دو کتاب *حاوی الأسرار*^{۷۰} و *حقائق أسرار الدین*^{۷۱} هم از مؤلف و هم از اثر نام برده و مطالبی نقل شده است. در این اثر منسوب به محمد بن نصیر، مطلبی از کتاب *التنبیه اسحاق بن محمد نخعی* (م ۲۸۵ ق) یکی از غالیان مشهور سده سوم هجری نقل شده است.^{۷۲} این اشاره به نام اسحاق نخعی در کنار اشاره به نام ابن نصیر در دو کتاب *حاوی الأسرار* و *حقائق أسرار الدین* به روشنی از تاریخ تدوین آن در سده سوم هجری حکایت دارد، درست همان زمانی که مؤلف ادعایی در آن می‌زیسته است.

از دو متن کتاب *حاوی الأسرار* و *حقائق أسرار الدین* - که به کتاب *المثال والصورة* اشاره کرده‌اند - هیچ کدام به یکدیگر اشاره‌ای ندارند. از این رو، تعیین این که کدام یک زودتر نوشته شده، ناممکن است؛ اما بنا بر شواهد و اطلاعات موجود تردیدی باقی نمی‌ماند که هر دو اثر پیش از سده چهارم هجری نوشته نشده‌اند؛ چه آن که هر دو کتاب به نام حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ ق)، رهبر مشهور نصیری، اشاره دارند.^{۷۳}

افزون بر این، نقل حدیثی غیرمستند در *حقائق أسرار الدین* از *الکافی* محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق)^{۷۴} نشان از آن دارد که مؤلف آن در سده چهارم هجری یا پس از آن زندگی می‌کرده است. علی بن حمزة خزّانی در کتاب *خود حجة العارف*، *حقائق أسرار الدین* را به حسن بن شعبة خزّانی نسبت داده است.^{۷۵} این انتساب، با وجود عدم اشاره به عنوان *حقائق أسرار الدین* در منابع امامی، تألیف کتاب به دست حسن بن شعبة را کاملاً محتمل می‌سازد.^{۷۶} در کتاب *الأصیفر* اثر ابو عبدالله محمد بن شعبة خزّانی، از بستگان نسبی جوان‌تر حسن بن شعبة، نیز نامی از کتاب *حقائق أسرار الدین* دیده می‌شود.^{۷۷}

از سوی دیگر، تعبیری همچون «شرف الله مقامه»، «رضی الله عنه»، «قدسه الله» و «نصر الله

۷۰. *حاوی الأسرار*، ص ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۱۴.

۷۱. *حقائق أسرار الدین*، ص ۲۳، ۴۲، ۷۷، ۹۵، ۹۸، ۱۵۷.

۷۲. کتاب *المثال*، ص ۲۱۱.

۷۳. خزّانی در مواردی بر ملاقات با خصیبی تصریح دارد (*حقائق أسرار الدین*، ص ۱۱۴، ۱۵۱). برای موارد دیگر از نقل قول مستقیم از خصیبی، رک: همان، ص ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱؛ *حاوی الأسرار*، ص ۱۶۷، ۱۸۴.

۷۴. *حقائق أسرار الدین*، ص ۱۳۱. برای این حدیث در *الکافی*، رک: ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹، ح ۱۶. متن حدیث در کتاب *حقائق أسرار الدین* اندکی متفاوت از نسخه موجود *الکافی* نقل شده است.

۷۵. *حجة العارف*، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴-۲۷۶، ۲۸۲.

۷۶. برای بحث تفصیلی در این باره، رک: «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید انتشار به ابو محمد حسن بن علی بن شعبة خزّانی»، ص ۵۵-۷۴.

۷۷. کتاب *الأصیفر*، ص ۱۹۸.

وجهه^{۷۸} - که علی بن حمزة در کتاب *حجة العارف* (تألیف پیش از ۴۰۸ ق) درباره حسن بن علی بن شعبة به کار برده - حاکی از آن است که حسن بن علی بن شعبة پیش از ۴۰۸ ق، دار فانی را وداع گفته بود. بدین ترتیب، مؤلف کتاب *حقائق أسرار الدین* در حدود سال های ۳۳۶ تا پیش از ۴۰۸ ق، در قید حیات بوده است. این فاصله زمانی با آنچه از حسن بن علی بن شعبة در منابع شرح حالی امامی دانسته و معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) معرفی شده^{۷۹} سازگار است.

شاهدی می تواند رابطه میان جلی و خزانی را روشن تر سازد. چنانچه انتساب *رسالة موضحة حقائق أسرار الدین* به ابن شعبة خزانی، آن گونه که محققان *سلسلة التراث العلوی* مدعی اند،^{۸۰} درست باشد، خزانی نسخه ای از *الرسالة الراستباشیة* حسین بن حمدان خصیبی را به اجازه شیخ ثقه ابوالحسین محمد بن علی جلی در اختیار داشته است:

جاء في هذا الموضوع في نسخة الأصل بإجازة الشيخ الثقة أبي الحسين محمد بن علي الجلي
قدس الله روحه.^{۸۱}

این عبارت از جلالت رتبه جلی بر خزانی دارد؛ هر چند هر دو معاصر و شاگرد خصیبی بوده اند.

سرانجام، آخرین این چهار اثر - که از کتاب *الأظلة* نقل قول کرده اند - کتاب *حجة العارف* علی بن حمزة خزانی است. تنها نشانه موجود در این متن برای تاریخ گذاری و انتساب آن به علی بن حمزة ذکر عنوان کتاب حسن بن شعبة خزانی است که تعیین کننده «حد زمانی اولیه»^{۸۲} آن است. در صورت اعتماد به محققان کتاب *حجة العارف*، می توان این کتاب را با قطعیت بیشتری نسبت به سه متن دیگر به مؤلف آن نسبت داد و تاریخ گذاری کرد. متن کتاب با مقدمه ای کوتاه آغاز شده است.^{۸۳} با بیان این نکته که این اثر به وسیله علی بن حمزة

۷۸. برای این تعابیر به ترتیب، رک: *حجة العارف*، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۲.

۷۹. *أمل الأمل*، ج ۲، ص ۷۴؛ *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۱۰، ۲۹؛ *الطریق*، ص ۱۲۶؛ *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۲۴۴؛ *روضات الجنات*، ج ۲، ص ۲۸۹؛ *تأسيس الشیعة*، ص ۴۱۳؛ *أعیان الشیعة*، ج ۵، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ *الذریعة*، ج ۳، ص ۴۰۰؛ *طبقات أعلام الشیعة*، ج ۱، ص ۹۳.

۸۰. *رسالة موضحة*، مقدمه محققان، ص ۱۸۱.

۸۱. همان، ص ۱۸۲. هر چند در جای دیگر (همان، ص ۱۱۴) تصریح دارد که متن کتاب *الرسالة* را بر خصیبی قرائت کرده است.

82. terminus post quem.

۸۳. فریدمن معتقد است که این مقدمه کوتاه به قلم خود علی بن حمزة خزانی است؛ اما این مطلب به سبب فقدان

شواهد قطعی، قابل دفاع نیست. رک: The Nusayrī-Alawīs, p. 46.

بن علی بن شعبه خزانی در سال ۴۰۸ ق، تألیف و به کتابخانه امیر ابوالحسن علی بن جعفر پیش کش شده است.^{۸۴}

بنا بر آنچه گذشت، روشن است که نه تنها انتساب همه این چهار کتاب نقل کننده از کتاب الأظلة به مؤلفان ادعایی قابل اعتماد است، بلکه حتی تاریخ گذاری آنها با قطعیت بیشتری ممکن است. همچنین، از نیمه دوم سده سوم تا نیمه دوم قرن چهارم هجری قمری نقل قول هایی از کتاب الأظلة در اختیار است.

پنج. تاریخ گذاری کتاب الأظلة و شناسایی مؤلف احتمالی آن

چهار مورد از شش عبارت کتاب الأظلة - که در کتاب حقائق أسرار الدین^{۸۵} و دو عبارت هم که در حاوی الأسرار^{۸۶} نقل شده است - از یونس بن ظبیان، از امام صادق علیه السلام روایت شده است. یونس بن ظبیان از شاگردان امام صادق علیه السلام و از غلات مشهور عصر خود بوده است^{۸۷} که در فهرست أسماء مصنفی الشيعة نجاشی به عنوان راوی غیر قابل اعتمادی که تألیفاتش مملو از «تخلیط» است، معرفی شده است؛^{۸۸} در حالی که طوسی تنها به اثری از او تحت عنوان «کتاب» اشاره دارد.^{۸۹} نجاشی هیچ یک از تألیفات وی را نام نمی برد. او چنان که در ابتدای مقاله گذشت، چهار شخص دیگر را در مواضع مختلف نام برده است که کتاب هایی با عنوان کتاب الأظلة نوشته بودند. بر این اساس، دو احتمال در این جا رخ می نماید: یکی آن

۸۴. حجة العارف، مقدمه محقق، ص ۲۳۹. درباره امیر ابوالحسن علی بن جعفر گفتنی است که چنین به نظر می رسد وی همان ابوالحسن علی بن جعفر بن فلاح از امرای دولت فاطمیان مصر بوده است. به گفته ابن صیرفی مصری، ابوالحسن علی در سال ۴۰۶ ق، به رهبری سپاه فاطمیان به شام رفت و سه سال بعد، در ۴۰۹ ق، دار فانی را وداع گفت (الإشارة، ص ۳۰-۳۱؛ نیز رک: انباء الأمراء، ص ۷۴-۷۵).

۸۵. حقائق أسرار الدین، ص ۴۱، ۷۱، ۱۶۸، ۱۷۳.

۸۶. حاوی الأسرار، ص ۲۰۳، ۲۰۷. در عبارت منقول از یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام در صفحه ۲۰۳ حقائق أسرار الدین، برخلاف نقل قول موجود در صفحه ۲۰۷، هیچ ذکری از عنوان کتاب الأظلة نیامده است، اما این عبارت عیناً در جای دیگری از حقائق أسرار الدین (ص ۴۵) با تصریح بر عنوان کتاب الأظلة از آن نقل شده است.

۸۷. رک: إختیار معرفة الرجال، ص ۳۶۳-۳۶۵.

۸۸. رجال النجاشی، ص ۴۲۹. وصف کتاب به «تخلیط» می تواند بر این دلالت داشته باشد که کتاب بر پایه عقاید غلو آمیز و یا احادیث بی پایه در این نوع باورهای غالبانه و مفوضی شکل گرفته است. ابوالهدی کلباسی (سماء المقال، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۹) چهار معنا و مصداق برای تخلیط بر شمرده است: ۱. خلط میان اعتقادات صحیح و اعتقادات فاسد، ۲. خلط میان روایات مُنکر و غیر آن، ۳. خلط اسانید دو یا چند روایت با یکدیگر، ۴. خلط مطاب صحیح با غیر صحیح.

۸۹. فهرست الطوسی، ص ۵۱۲.

که یونس در واقع مؤلف کتاب الأظلة است و چهار کتاب دیگر با عناوین مشابه متفاوت از آن هستند، یا آن که کتاب الأظلة یکی از همان چهار کتاب است و یونس فقط راوی واقعی یا جعلی برخی عبارات آن از امام صادق علیه السلام است. در عین حال، احتمال سومی هم می تواند هر دو احتمال بالا را رد کند.

بنا بر احتمال نخست، کتاب الأظلة از آن یونس بن ظبیان، راوی نخست مطالب کتاب از امام صادق علیه السلام، بوده است؛ هر چند در منابع فهرستی امامیه هیچ اشاره ای به وجود آن نشده است. در واقع، چنان که گفتیم، نجاشی نامی از آثار وی نبرده است. تنها نشانه واقعی - که یونس مؤلف کتاب الأظلة بوده - انتساب برخی قطعات به او است. چهره وی، آن گونه که در آثار امامی و نصیری ارائه شده، کاملاً موافق با آن چیزی است که از مؤلف کتاب الأظلة به نظر می رسد. در واقع، یونس به خاطر دیدگاه های غلو آمیز خود مشهور بود^{۹۰} و با دیگر غلات، همچون مُفضّل بن عمر جعفی^{۹۱} - که یونس بیشترین روایات خود را از او نقل کرده - پیوند نزدیکی داشت.

یونس همچنین از سوی غلات مُختمسه ارزش و اعتبار بالایی یافته بود و از سوی آنها به عنوان یکی از «ایتام» مُفضّل جعفی،^{۹۲} رتبه ای بالا در مراتب معنوی غلات،^{۹۳} به شمار می رفت. متکلم شیعی فضل بن شاذان نیشابوری (م حدود ۲۶۰ ق) یونس را، به همراه چهار شخصیت دیگر، یعنی ابوالخطاب، محمد بن سنان، یزید بن صائغ و ابوسمینه محمد بن علی صیرفی^{۹۴} «مشهورترین دروغ گویان» خوانده است. در خصوص دیدگاه فضل بن شاذان از یک سودانسته است که وی به خاطر مجادلاتش با مَفوضه و دیگر گروه های غلات و به ویژه علیه گروهی در نیشابور که توانایی فوق طبیعی را به پیامبر نسبت می دادند (مُحمدیه) مشهور بوده است.^{۹۵} او حتی اثری با عنوان کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة نوشت.^{۹۶} از سوی دیگر، کتاب الأظلة مشتمل بر مؤلفه هایی از تعالیم غلات به اصطلاح مَفوضه (محمدیه) است که پیامبر را می ستودند و به او نقش شبه خدایی می دادند. چنانچه واقعاً یونس مؤلف کتاب

۹۰. رجال النجاشی، ص ۴۲۹؛ نیز: اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۵ و ۳۰۶.

۹۱. کتاب الغیبة، ص ۴۹ - ۵۰؛ نیز: ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۳۵۴ - ۳۵۶.

۹۲. حقائق أسرار الدین، ص ۵۸ - ۵۹، ۱۴۵.

۹۳. کتاب الصراط، ص ۷۴ و ۷۸؛ کتاب المقالات والفرق، ص ۵۷.

۹۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۶.

۹۵. همان، ص ۵۴۲ - ۵۴۳؛ نیز: ک: "The Imam's Knowledge and the Quran", pp. 188-207.

۹۶. رجال النجاشی، ص ۲۹۵.

الأظلة بوده باشد، این امر می‌تواند تنفر فضل بن شاذان از او را تبیین نماید. احتمال دوم درباره کتاب الأظلة این است که نوشته یکی از این سه مؤلف، یعنی ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، عبدالرحمان بن کثیر هاشمی و ابوجعفر محمد بن سنان زاهری بوده باشد که هر سه در سده های دوم و سوم هجری می‌زیستند. جوان ترین ایشان، احمد بن محمد بن عیسی اشعری معاصر امامان جواد علیه السلام (شهادت حدود ۲۲۰ ق) و امام هادی علیه السلام (شهادت ۲۵۴ ق) بوده است.^{۹۷} عبدالرحمان بن کثیر هاشمی (م ۱۸۹ ق) از موالیانی بود که گفته شده حدیث جعل می‌کرد؛ حال آن که طبق گزارش های موجود کتاب الأظلة وی دارای «عقیده ای فاسد» است.^{۹۸}

سومین شخص محمد بن سنان زاهری (م ۲۲۰ ق) است که تا حدودی احتمال آن می‌رود که کتاب وی همان کتاب الأظلة مورد نظر تحقیق حاضر بوده باشد. او نیز از غالیان مشهور کوفی بوده است که نام وی به فراوانی در اسانید روایات غلات آمده است؛ اتفاقاً نام وی در سند نقل از کتاب الأظلة، در نقل های مختلف حسن بن شعبه خزانی نیز آمده است.^{۹۹} بی شک، این امر نمی‌تواند اتفاقی بوده باشد. این خود می‌تواند قرینه ای با اهمیت در این باره باشد که بخش های برجای مانده از کتاب الأظلة در منابع نصیری فقراتی از کتاب الأظلة ابوجعفر محمد بن سنان زاهری است.

شاهد دیگری که انتساب کتاب به محمد بن سنان را تقویت می‌نماید، گزارش شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است که کتاب الأشباح والأظلة را یکی از تألیفات غلات در موضوع «أشباح» بر شمرده که غالیان خود آن را به محمد بن سنان نسبت می‌دادند.^{۱۰۰} پیش تر، بنا بر شواهدی گفتیم که ممکن است کتاب الأشباح، کتاب الأظلة و کتاب الأشباح والأظلة - که منبع مؤلفان نصیری بوده - جملگی نام یک اثر بوده باشد.

البته می‌توان میان این احتمال و احتمال نخست نیز نوعی پیوند برقرار کرد؛ بدین گونه که یونس بن ظبیان مؤلف واقعی کتاب الأظلة بوده است و دو نفر آن را در دو سنت مختلف امامی و نصیری روایت کرده اند. در میراث امامی، نسخه ای از کتاب به روایت محمد بن سنان وجود داشته است. شاید آنچه نجاشی به محمد بن سنان نسبت داده، همین نسخه بوده

۹۷. همان، ص ۷۹-۸۰.

۹۸. رسالة أبي غالب الزراري، ص ۱۷۵؛ رجال النجاشي، ص ۲۲۵.

۹۹. حقائق أسرار الدين، ص ۷۱.

۱۰۰. المسائل السروية، ص ۳۸.

است. نسخه‌ای دیگر از آن به روایت صالح بن یزید سلمی در میراث نصیریه رواج داشته است و متن کتاب یونس با سندی منتهی به سلمی روایت می‌شده است. در یک داوری نهایی درباره کتاب الأظلة - که عبارات متعددی از آن در آثار نصیری بر جای مانده است - می‌توان گفت که مؤلف آن هر کسی باشد، بنا بر شواهدی که گذشت، متن کتاب به اواخر سده دوم و نیمه نخست قرن سوم هجری قابل تاریخ گذاری است. از این رو، اصالت تاریخی متن و تعلق آن به جریان‌های اولیه غلات کوفه قابل دفاع است. این امر سبب می‌شود تا متنی اصیل از تعالیم نخستین غالیان عراق در اختیار داشته باشیم تا با تحلیل دقیق محتوای آن، به تصویری واقعی‌تر از اندیشه‌ها و افکار غلات این دوره دست یابیم.

نتیجه

میراث مکتوب غلات شیعه با وجود مخالفت‌های شدید ائمه علیهم‌السلام با آنها و پالایش میراث حدیثی‌شان به دست شاگردان بزرگ این مکتب توانست به دو صورت کلی به حیات خود در طول تاریخ ادامه دهد. گذشته از نفوذ برخی از تعالیم غلات به متون حدیثی امامیه - که به واسطه این متون تا به امروز باقی مانده است - میراث فکری - حدیثی ایشان به شکل مستقل و در قالب نقل قول‌هایی در آثار میراث‌داران آنها بر جای مانده است. شواهد متعددی که در متن مقاله گذشت، نشان از آن دارد که این میراث غالیان به واسطه جریان‌های پسین غالیانه، گاه به شکل کامل و گاه نقل قول‌هایی از آنها باقی مانده است.

نصیریه از جمله این جریان‌های غالیانه سده‌های اولیه است که در اواخر قرن سوم و آغاز عصر غیبت صغرا در عراق شکل گرفت و در دوران حیات خود به شام نقل مکان کرد. بدین ترتیب، حجم قابل توجهی از میراث مکتوب غالیان به واسطه نصیریان از عراق به شام منتقل و حفظ شد. کتاب الأظلة یکی از این آثار غالیانه است که نقل قول‌هایی از آن در چهار کتاب نصیری باقی مانده است: کتاب المثل و الصورة، حاوی الأسرار، حقائق أسرار الدین و حجة العارف. در میان این چهار اثر، دو کتاب حاوی الأسرار محمد بن علی جلی و حقائق أسرار الدین حسن بن شعبة حرانی بیشترین عبارات کتاب الأظلة را در خود حفظ کرده‌اند. این نقل قول‌ها به دو شکل آمده است: گاه مستقیم و به نقل از کتاب الأظلة و گاه از طریق منبعی واسطه، یعنی کتاب الکرسی.

بررسی دقیق‌تر و مقایسه میان این دو اثر حاکی از آن است که مؤلف کتاب الکرسی بی آن

که اشاره‌ای به منبع خود نماید، مطالب کتاب الأظلة را در خود جای داده است. شواهد متنی موجود مؤید تألیف این منابع نصیری در سده‌های سوم و چهارم است که از رهگذر آن، می‌توان گفت که کتاب الأظلة به زمانی پیش از آن، یعنی سده‌های دوم و سوم تعلق دارد.

در منابع کتاب‌شناختی امامیه از سه مؤلف کتاب الأظلة یاد شده است: احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، عبدالرحمان بن کثیر هاشمی و دیگری ابو جعفر محمد بن سنان زاهری؛ مؤلفانی که دوره حیات آنها با بازه زمانی حدودی تألیف کتاب مورد بحث همخوانی دارد. از میان این سه مؤلف، محمد بن سنان ظاهری (م ۲۲۰ ق) بیشترین بخت را دارد که نویسنده کتاب الأظلة مورد بحث باشد. نام وی در سند نقل از کتاب الأظلة در نقل‌های مختلف حسن بن شعبة خزّانی نیز آمده است. شاهد دیگری که انتساب کتاب به محمد بن سنان را تقویت می‌نماید، گزارش شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است که کتاب الأشباح والأظلة را یکی از تألیفات غلات در موضوع «أشباح» بر شمرده که غالبان آن را به محمد بن سنان نسبت می‌دادند.

به هر حال، مؤلف هر که باشد، بنا بر شواهدی که گذشت، می‌توان متن کتاب را به اواخر سده دوم و نیمه نخست قرن سوم هجری تاریخ گذاری کرد. از این رو، اصالت تاریخی متن و تعلق آن به جریان‌های اولیه غلات کوفه قابل دفاع خواهد بود.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- إختيار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۶ ق.
- إختيار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- الإشارة إلى من نال الوزارة، علی بن منجب بن سلیمان ابن صیرفی، تحقیق: عبدالله مخلص، مطبعة المعهد العلمی الفرنسي، ۱۹۲۳ م.
- الإعتقادات فی دین الإمامیة، محمد بن علی بن بابویه ریال مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: عصام عبدالسید، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق/۱۹۹۳ م.
- أعیان الشیعة، سید محسن امین، تحقیق: حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.

- أمل الآمل فی علماء جبل عامل، محمد بن حسن حرعاملی، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد: مكتبة الأندلس، بی تا.
- إنباء الأمراء بآباء الوزراء، امحمد بن علی بن طولون، تحقیق: مهنا حمد المهنا، بیروت: دار البشائر الإسلامية، ۱۴۱۸ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ صفار، تحقیق: حاج میرزا حسن کوجه باغی، تهران: منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۲ش.
- تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام، سید حسن صدر، شركة النشر والطباعة العراقية، بی تا.
- تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية، بی تا.
- تفسير القمي، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: مؤسسة دار الكتب، سوم، ۱۴۰۴ق.
- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري، قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۹ق.
- تفسير فرات الكوفي، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- حاوی الأسرار، محمد بن علی جلی، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی، ج ۲، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶م.
- حجة العارف فی إثبات الحق علی المباین والمخالف، علی بن حمزة حرانی، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی: مجموعة الحرانيين، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶م.
- حقائق أسرارالدين، حسن بن علی بن شعبة حرانی، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی: مجموعة الحرانيين، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶م.
- خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۷ق.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- رسالة أبي غالب الزراري، ابو غالب زراری، تحقیق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: ۱۹۹۰م.
- الرسالة المرشدة، ابوسعید میمون طبرانی، چاپ شده در سلسلة التراث العلوی، ج ۳،

- تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دارالأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
رسالة موضحة حقائق الأسرار، حسن بن علی بن شعبة حرانی، چاپ شده در سلسله التراث
العلوی: مجموعة الحزائیین، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دارالأجل المعرفة،
۲۰۰۶ م.
روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات، محمد باقر خوانساری، تهران: اسماعیلیان،
۱۳۹۰ ق.
ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق: سید احمد حسینی،
قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ ق.
شعب الایمان، احمد بن حسین بیهقی، تحقیق: محمد سعید بن بسیونی زغلول، بیروت:
دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.
طبقات أعلام الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
الطریق إلى الله، حسین بن علی بن صادق بحرانی، تقدیم: مهدی السماوی، قم: منشورات
حرمین، ۱۴۰۴ ق.
غالیان: کاوشی در جریانها و برایندها، نعمت الله صفری فروشانی، مشهد: بنیاد پژوهش های
اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر
الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.
فهرست كتب الشيعة وأصولهم، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید عبدالعزیز
طباطبایی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ ق.
قاموس الرجال، محمد تقی تستری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.
الكافي، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة،
پنجم، ۱۳۶۳ ش
کتاب الأصفیر، ابو عبدالله محمد بن شعبة حرانی، چاپ شده در سلسله التراث العلوی:
مجموعة الحزائیین، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دارالأجل المعرفة،
۲۰۰۶ م.
کتاب الصراط، مفضل بن عمر جعفی (منسوب)، تحقیق: منصف بن عبدالجلیل،
بنغازی، ۲۰۰۵ م.
کتاب الغیبة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عباد الله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح،

- قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- کتاب الفصل فی الملل والأهواء والنحل، علی بن احمد بن حزم ظاهری، بیروت: دارصاد، ۱۳۱۷ق.
- کتاب المثل والصوره، محمد بن نصیر نمیری (منسوب)، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۱، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶م.
- کتاب المقالات والفرق، سعد بن عبدالله قمی، تحقیق: محمد جواد مشکور، تهران: ۱۹۶۳م.
- کتاب مجمع الأخبار، ابو صالح دیلمی، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۸، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۸م.
- کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، دوم، بی تا.
- لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۱م.
- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، علی بن أبی بکر هيثمی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح: محدث ارموی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۰ق/۱۳۳۰ش.
- مروج الذهب ومعادن الجوهر، علی بن حسین مسعودی، قم: منشورات دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م.
- المسائل السرویة، محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به شیخ مفید، تحقیق: صائب عبدالحمید، بیروت: دارالمفید، چ دوم، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
- المعجم الكبير، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عیدالحمید سلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، بی تا.
- «انسان در عالم اظله و ارواح»، محمد بیابانی اسکویی، مجله سفینه، تابستان ۱۳۸۶ش، ش ۱۵.
- «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید الإنتشاریه ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حرّانی، محدث شناخته شده شیعی»، حمید باقری، مجله علوم حدیث، دوره ۱۹، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۳.

- «حسن بن عباس بن حریش و کتاب اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، حمید باقری، مجله حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، ش ۱۳.
- «ختم ولایت در اندیشه ابن عربی»، سید جلال الدین آشتیانی، کیهان اندیشه، مهر و آبان ۱۳۶۸ ش، ش ۲۶.
- «مفضل بن عمر جعفی و کتاب الصراط منسوب به او»، محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، ش ۱۰۲ - ۱۰۳.
- "An Early Shī'ī Cosmology: *Kitāb al-ashbāh wa l-azilla* and its Milieu", Ed. Mushegh Asatryan, *Studia Islamica* 110 (2015).
- "La diffusion de la doctrine nusayrie au IVe/Xe siècle d'après le *Kitāb Áayr al-ÒanD a* du cheikh Íusayn MayhÜb HarfÜš", Bruno Paoli, *Arabica* 58 (2011).
- "The Imam's Knowledge and the Quran according to al-Faḍl b. Shādhān al-Nīsābūrī (d. 260 A.H./874 A.D)", Bayhom-Daou, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, v. 64:2 (2001).
- "The Legend of ÝAbdallāh ibn SabaP and the Date of Umm al-Kitāb", Sean W. Anthony, *Journal of the Royal Asiatic Society* 3).
- The Nuṣayrī-ʿAlawīs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria, Yaron Friedman, Brill (Leiden • Boston), 2010.
- "UmmuḤl-kitāb", edited by W. Ivanow, in *Islam* 23 (1936).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی